

- نامه اکثریت کمیته مرکزی به کادرهای حزب کمونیست کارگری
- کناره گیری اکثریت کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری
- بحران کنونی حزب کمونیست کارگری ایران
- پاسخ به نامه سرگشاده حمید تقوایی از طرف ریواری احمد

کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شماره ۱ - ۱۳ شهریور ۱۳۸۳ - ۳ سپتامبر ۲۰۰۴

سردبیر: کورش مدرسی جمعه ها منتشر میشود www.komonist.com

اطلاعیه

اعلام موجودیت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

با این اطلاعیه تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و آغاز فعالیت آن را اعلام میکنیم.

این حزب، ادامه سنت حزبی کمونیسم کارگری و خط منصور حکمت است که به دنبال تحولات درونی حزب کمونیست کارگری ایران ناچار به سازماندهی کمونیسم کارگری در قالب حزبی جدید شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست یک حزب مارکسیستی متعهد به سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر برای برچیدن نظام سرمایه داری و برپایی جامعه‌ای نوین مبتنی بر برابری اقتصادی و اجتماعی، آزادی سیاسی انسانها و شکوفایی خلاقیت های مادی و معنوی بشری است. حزب ما تداوم بخش جنبش کمونیسم کارگری و همان افق و خط مشی است که منصور حکمت پرچم آنرا بر افراشت و به این اعتبار خود را حکمتیست میدانند.

حزب ما یک حزب انترناسیونالیستی است و برای همبستگی بین المللی طبقه کارگر تلاش میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای تحقق اهداف جهانی طبقه کارگر مبارزه میکند و دفاع از منافع کارگران جهان را وظیفه خود میدانند.

در ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی قدرتمند اجتماعی و سیاسی، استقرار حکومت کارگری یعنی جمهوری سوسیالیستی و تحقق برنامه "یک دنیای بهتر" مبارزه میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از ملزومات اولیه تحقق این هدف است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ایجاد یک حزب سیاسی مدرن، اجتماعی و توده ای کمونیستی در ایران و تصرف قدرت سیاسی را بعنوان شرط سازمان دادن انقلاب اجتماعی طبقه کارگر هدف قرار میدهد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست کارگران کمونیست و مبارزان راه آزادی، برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند.

۳ شهریور ۱۳۸۳ - ۲۴ اوت ۲۰۰۴

از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران:

آذر مدرسی، اسد گلچینی، اسد نودینیان، اسعد کوشا، اسماعیل ویسی، اعظم کم گویان، امان کفا، امجد غفور، ایرج فرزاد، بهرام مدرسی، بهروز مدرسی، ثریا شهبابی، حسین مرادبیگی - حمه سور، خالد حاج محمدی، داریوش نیکنام، رحمان حسین زاده، ریواری احمد، سلام زیجی، سمیر عادل، سعید قادریان، سعید کرامت، سعید یگانه، صالح سرداری، طه حسینی، عبدالله دارابی، عبدالله شریفی، فاتح شیخ، کورش مدرسی، مجید حسینی، محمد راستی، محمد فتاحی، محمد فضل، محمود قزوینی، مصطفی رشیدی، مظفر محمدی، ملکه عزتی، موید احمد، مهنوش موسوی، مینو همتی، نسان نودینیان، ناسک احمد، ناهید ریاضی، نادیه محمود، نسرین جلالی، همایون گدازگر.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نامه ۲۲ نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

در مورد راه برون رفت از بن بست ارگانهای رهبری حزب

این نامه مورد حمایت اکثریت این کمیته و هجنین دفتر سیاسی و لیدر حزب کمونیست کارگری عراق قرار گرفت.

رفقای کمیته مرکزی حزب!

رفقای دفتر سیاسی!

کادرهای حزب کمونیست کارگری! حزب کمونیست کارگری و از آن مهمتر کمونیسم کارگری در بوتله آزمایش مهمی قرار گرفته است. شکافی که در حزب باز شده است سرنوشت این جریان را در ابهام فرو برده است. روشن است که در حزب دو جناح یا دو جبهه فعال وجود دارد و عده بیشتری نگران از سرنوشت حزب شاهد کشمکش حاد این دو جناح هستند.

تحلیل ما از خصلت و مضمون این اختلاف هر چه که باشد آنچه که بیش از هر چیز برای همه ما باید مهم باشد موقعیت کمونیسم کارگری در جامعه در فردای بعد از پلنوم یا کنگره حزب است. تصویری که ما از خود به جامعه و به تعداد کثیری از انسانهایی که امید و آینده خود را به ما گره زده اند، میدهیم دامن هر دو طرف این کشمکش را خواهد گرفت. آنچه که روی میز است نه سرنوشت این یا آن جناح، بلکه سرنوشت کل جنبش ما و شانس این حرکت در ایجاد تغییری واقعی در زندگی مردم و در دادن شانس به تضمین دنیای بهتر است.

رفقا!

حزب کمونیست کارگری دو شقه شده است. این یک واقعیت است که امروز دیگر محتاج گفتن نیست. آنچه که ما بر آن تاکید داریم این است که جریانهای درون این حزب، هردو، بخش های انتگره این پدیده هستند. حزب کمونیست کارگری یک پدیده

واحد تاریخی، سیاسی و تشکیلاتی است. هیچ جراحی تشکیلاتی نمیتواند هیچ یک از این دو بخش را بشیوه ای متمدانه، که مشخصه سنت ما بوده است، از حزب حذف کند. در چنین مسیری کل جریان ما، بعنوان یک سنت متفاوت با آنچه چپ به جامعه ایران داده است از میان خواهد رفت. در چنین صورتی حزب کمونیست کارگری، اگر هم باقی بماند، به یکی دیگر از احزاب متعارف چپ تبدیل خواهد شد. مردم به آن مهر غیر اجتماعی خواهند زد. شانس سیاسی مان را از دست میدهیم.

رفقا!

فائق آمدن بر شکاف کنونی در حزب نه با اندرز ممکن است و نه راه حل تشکیلاتی دارد. با اکثریت رای در پلنوم، در دفتر سیاسی و یا در کنگره فوق العاده، نمیتوان راهی برای حل بن بست کنونی پیدا کرد. جامعه و تاریخ چنین راه حل هائی را نمیپذیرد. نه ما میتوانیم با اتکا به رای جناح مقابل را کنار بزنیم و نه جناح مقابل میتواند با ما چنین رفتاری کند. مبنای این نتوانستن حقوق اساسنامه یا اصول سازمانی حزب نیست. جامعه این را نمیپذیرد. مردمی که امیدشان را به این حزب بسته اند و این حزب و این جریان را با همه ما شناخته اند این را نمیپذیرند. نپذیرفتن جامعه خود را در حاشیه ای شدن حزب، در قطع امید از ما، در از دست دادن شانس تاثیر در فضای سیاسی ایران و شانس پیروزی کمونیسم خود را نشان خواهد داد. و نه در ماندن و یا نماندن تشکیلاتی ما.

رفقا!

کشمکشی که در جریان است برنده ندارد. تبدیل صف تا دیروز واحد کمونیسم کارگری به دو صفی که بیش از هر چیز نفرت غیر قابل فهم آنها را از هم جدا کرده است، تبدیل صفی که امروز برای جامعه تمایز آنها هنوز روشن نیست، به دو جریانی که این چنین به جان هم افتاده اند به شدت غیر اجتماعی است و جامعه آنها نخواهد پذیرفت. باید برای فائق آمدن بر این وضع یک راه حل سیاسی پیدا کرد. راه حل سیاسی باید مبتنی بر توافق اصولی و قابل دفاع هر دو طرف باشد. با رای نمیتوان این بن بست را شکست.

اگر قرار است در یک حزب بمانیم باید متمدانه، بر طبق سنت کمونیسم کارگری و بر مبنای اصولی توافق کنیم. اگر قرار است جدا شویم هم باید متمدانه، باز هم مطابق سنت تاکنونی جدا شویم و در این مورد با هم توافق کنیم. ماندن یا جدا شدن، هر کدام را که انتخاب کنیم، باید در شان و در چارچوب سنت کمونیسم کارگری باشد. بر این جهت میتوان و باید توافق اصولی و قابل دفاع کرد.

رفقا!

در این راستا میخواهیم همه کادرهای حزب را از اصولی که به آن پایبند هستیم مطلع کنیم به این امید که کمونیسم کارگری را باهم از این گرداب بیرون بکشیم:

۱- ما با اتکا به رای اکثریت در پلنوم هیچ پلاتفرم یا روشی، در مورد کنگره یا هر چیز دیگری، را به

طرف مقابل تحمیل نمیکنیم. توافق ما برای کار کردن در چارچوب حزب باید متکی به توافق واقعی و اصولی هر دو طرف باشد. در نتیجه مطلقا در پی کنار گذاشتن و یا تصفیه جناح مقابل نیستیم.

۲- پلنوم برای ما جائی است که نهایت تلاش را در رسیدن به توافق اصولی برای متحد ماندن و همچنین تضمین یک پراتیک کمونیستی در حزب، انجام میدهیم.

۳- اگر این تلاش به نتیجه نرسد و اگر مجبور به جدا کردن راهمان شویم، حزب کمونیستی کارگری برای تحقق برنامه "یک دنیای بهتر" و اجرای استراتژی "حزب و قدرت سیاسی" را در قالب حزب دیگری تعقیب خواهیم کرد. در چنین شرایطی در راستای یک افق و منفعت طولانی مدت تر کمونیسم کارگری از هر ادعائی بر نام یا اموال حزب صرف نظر خواهیم کرد. حزب کمونیست کارگری و نهاد های آن، در چنین حالتی، از نظر ما رسمی هستند. ما تلاش خواهیم کرد که یک جدائی انسانی و حتی المقدر دستانه را داشته باشیم.

۴- در صورت جدائی ما از حزب کمونیست کارگری، این حزب را نیز ابژکتیو و بر اساس موضع و موقعیت سیاسی آن در جامعه قضاوت میکنیم. بر این مبنا مادام که این حزب در موضع سیاسی مصوب تا کنونی خود ایستاده باشد، از نظر ما یک حزب کمونیستی

بقیه در صفحه ۱۰

در جواب به نامه سرگشاده

رفیق حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

ریوار احمد—لیدر حزب کمونیست کارگری عراق

اعتراض و انتقادنامه تان را خواندم. در این باره اجازه دهید من هم ابتدا تاسفی عمیق تر از تاسف شما و انتقاد و ناراضی‌تری شدیدتر خودم را در قبال موضع و روش و اقداماتی اعلام کنم که از طرف شما، بدون توجه به درخواست رهبری حزب ما و مخالفت اکثریت اعضا کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و کادرها و اعضا و دوستداران حزب، در پیش گرفته شد و یک جدایی تلخ و زودرس و ناخواسته بر حزب تحمیل کرد و ضربه‌ای کاری به حزب منصور حکمت و کل جنبش کمونیسم کارگری وارد آورد.

شما موضع ما را غیراصولی و غیرمسئولانه قلمداد میکنید. اما معیارتان برای اصولی و مسئولانه چیست؟ شما در سمینار شب ۲۱ اوت، حزب و همه معیارها و ارگانهایش را منحل اعلام کردید. از بالای سر کمیته مرکزی پریدید و تصمیماتی گرفتید که در حدود اختیارات و صلاحیت تان نبود. بی توجه به اصول و ملاکهای حزبی، یکجانبه و بدون نظرخواهی از کسی، تجمع اعضا حزبتان را جایگزین کنگره کردید و هیچ راهی برای هیچ راه حلی باقی نگذاشتید. من متوجه نیستم که از نظر شما کجای اینها اصولی و مسئولانه است!

واضح است که اگر این کارهایتان را اصولی و مسئولانه بدانید، دیگر باید موضع مسئولانه ما در واکنش به این روشها و دفاع ما از سنت های منصور حکمت را غیراصولی و

غیرمسئولانه بدانید. از این بابت گله ای ندارم.

در مورد اینکه دو حزب ما همیشه بعنوان دو حزب متعلق به جنبش کمونیسم کارگری، مناسبات گرم و رفیقانه و نزدیک داشته اند و اکنون گویا برای همه سوال است که چرا ناگهان حزب شما نزد ما جایش را به بخش انشعابی داده است ...؟ رفیق حمید بدو باید بگویم که حزب ما هیچ حرف جدیدی درباره حزب شما و مناسبات گرم و نزدیک و رفیقانه پیشین مان نزده است. صحبت از ارتباط با شما نیست، ما نمیخواهیم ارتباطمان بهم بخورد، و مناسبات گرم و نزدیک و رفیقانه مان میتواند باقی بماند. اما بسیار برای من تعجب آور است که میخواهید این تصویر را بدهید که بجز صدور یک بیانیه یک صفحه ای، هیچ اتفاقی نیفتاده است! یک حزب عظیم رفیق و برادر ما از هم پاشیده است و انشعاب بزرگی در جنبش ما روی داده است، نه تنها کادرها و اعضا هر دو حزب، بلکه میلیونها انسانی که توجهشان به جنبش ما و منصور حکمت معطوف بوده است، این رویداد را نظاره میکنند و این فقط شمائید که تمام رویداد را در صدور یک بیانیه یک صفحه ای میبینید! این چه تحلیل و چه منطقی است؟!

واضح است که شما از آن ناراحتید که ما حزب کمونیست کارگری ایران [حکمتیست را چنین توصیف کرده ایم که پرچم منصور حکمت را برافراشته است. در این مورد هم مانند جواب نامه قبلی

من، میخواهید وانمود کنید که ما سر خود و بدون اطلاع از مباحثات و فقط بر مبنای یک اطلاعیه چنین موضعی اتخاذ کرده ایم. بهتر است این روش را کنار بگذارید. نه شما و نه هیچ فرد سیاسی ای نباید فکر کند که رهبری حزب ما بدون اطلاع از همه مباحثات و اختلافات، از همه جدالها و کشمکش ها، پای موضوعگیری بر سر چنین موضوعی میروند. دستکم خود شما میدانید که ما از همه چیز اطلاع داریم و هرچند بسیار با تاخیر اما خودتان اسناد را در اختیار کمیته مرکزی حزب ما گذاشته اید و رفقای ما از مباحثات و جهتگیریها و اختلافات آگاهی کامل پیدا کرده اند. بر این مبنا ما موضع خود را تعیین کرده ایم.

این دومین بار است که برای شما نامه مینویسم اما بگذارید برای خواننده نامه سرگشاده تان روشن باشد که من تا کنون پنج نامه برای شما و رهبری حزب فرستاده ام که مضمونشان تلاش و کوشش و پیشنهاد برای حفظ وحدت حزب بوده است. همچنین در این باره حضوری و تلفنی با شما صحبت کرده ام. سرانجام در پی ابتکار مسئولانه ۲۲ عضو کمیته مرکزی حزب، روز ۲۱ اوت همراه با دفتر سیاسی حزبمان مشترکا نامه ششم را برایتان ارسال کردیم. از شما خواستیم که آن ابتکار را رد نکنید. گفتیم که این آخرین فرصت است، بگذارید از دست ندهیم! این بجای خود که چند ساعت بعد، عملا درخواست ما را رد کردید و فرصت

را به باد دادید. اما رفیق حمید آنچه بتوان جوابی نامید که به این نامه ها داده اید تنها یک بار و چند سطر است با این مضمون که دخالت نکنید دست روی دست بگذارید تا من کارم را به سرانجام قطعی برسانم. حال آنکه اکنون میخواهید چنین وانمود کنید که ما بدون اطلاع از حقیقت اختلافات موضع گرفته ایم و میبایست منتظر بمانیم!

شما این موضع ما را مغایر با ابتدائی ترین اصول سیاسی حاکم بر مناسبات احزاب قلمداد میکنید و به این ترتیب میخواهید به خواننده القاء کنید که این اولین حرف و اولین موضع ماست. در این باره لازم است بگویم که:

اولا: ما پیشتر با حزب مشترک هر دو طرفتان مناسبات نزدیک داشته ایم، اکنون که دو بخش شده اید، نمیشود شما برای ما تعیین کنید که شما را ادامه همان حزب سابق و بخش دیگر را راست و منحرف بدانند. مناسبات نزدیک با شما نمیتواند برای ما شرط تعیین کند که از حزب دیگری که به تشخیص خود ما پرچم منصور حکمت را برافراشته است، حمایت نکنیم. مناسبات دوستانه با شما متضمن این شرط نیست که ما دوست دیگری نداشته باشیم و یا شما برایمان دوست تعیین کنید.

ثانیا: با این جدائی تحول بزرگی در حزب کمونیست کارگری ایران روی داده است و نمیشود انتظار داشته باشید که گوئی سنگ از

در باره بحران حزب

بیانیه ۲۱ نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

این نوشته در تاریخ ۱۱ اوت ۲۰۰۴ - ۲۱ مرداد ۱۳۸۳ در اختیار کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران قرار داده شد

(این بیانیه بر مبنای سمیناری که در تاریخ ۵ اوت ۲۰۰۴ توسط کورش مدرسی از جانب ۲۱ تن از اعضای کمیته مرکزی برگزار گردید تهیه شده و رویدادهای بعدی را منعکس نمیسازد)

نفس وجود اختلاف در یک حزب و بویژه در حزب کمونیست کارگری نه عجیب است و نه جدید. آنچه که جدید است شیوه برخورد به این اختلافات از جانب یکی از سنت های موجود در حزب است. حزب کمونیست کارگری با وجود همین اختلافات و حتی در شکل حاد تر، قبل از کنگره چهارم فعالیت میکرد و نه تنها به چنین اضمحلالی دچار نشد بلکه دست آوردهای زیادی داشت.

ویژگی بحران کنونی ابعاد زیر پا گذاشته شدن سنت های حزب در دوره منصور حکمت و چیرگی معیارها و ارزشهای عقب مانده بر حزب است. آنچه که در حزب کمونیست کارگری ایران در جریان است مطلقاً یک مبارزه سالم سیاسی یا فکری نیست. روشهایی در مبارزه درون حزبی باب شده است که جز عقب مانده نمیتوان به آن لقبی داد. استفاده از فضا سازی، سو استفاده اهرمهای تشکیلاتی، اعمال فشار عاطفی به افراد، جو سازی، شایعه پراکنی، تحریک، اهانت به افراد، مارک زدن، تحریف آشکار نظرات، ترور شخصیت، خارج شدن از انضباط و موازین میان ارگانها روشهایی که حتی با استانداردهای جامعه بورژوازی عقب مانده است.

متأسفانه لیدر حزب، حمید تقوایی، و بخشی از دفتر سیاسی ناتوان از پاسخ گوئی به سوالاتی که در مقابل

حزب قرار گرفته است و ناتوان از تامین یک اتحاد سیاسی در حزب به روش شناخته شده انقلاب ایدئولوژیک و تضمین وحدت ایدئولوژیک بجای وحدت سیاسی متوسل گردیده اند. لیدر حزب و متحدین ایشان رسماً در سمینارهای مرکزی شان هدف خود را دادن "عسل تعمید" به کادرهای حزب و پایه ریزی یک انقلاب فرهنگی و تصفیه ایدئولوژیک و تغییر ترکیب ارگانهای رهبری حزب از بالا تا پائین بر اساس موافقت با احکام ایشان اعلام نموده اند.

این انقلاب ایدئولوژیک در تماماً ابعاد خود در حزب به حرکت در آمده است و امروز حزب کمونیست کارگری با چنان سرعتی در حال تغییر، دگردیسی و بازگشت به سنت ها و روشهای چپ فرقه ای و مائویستی عهد عتیق است که دیگر به سختی قابل بازشناسی است.

کادرهای حزب در مقابل پرسشنامه های ایدئولوژیک و سیاسی تحت فشار قرار داده شده اند تا با اعلام اینکه "انقلاب"، "سوسیالیسم" و غیره را قبول دارند "عسل تعمید" یابند.

در حزبی که حقیقت جوئی مشخصه آن بود و هیچ منفعت سیاسی نمیبایست با عدالت و حق انسان در تناقض قرار گیرد، رسماً از طرف بخشی از رهبری حزب، نسبیت سیاسی را در مناسبات درون حزب مبنای قرار داده شده است. درجه دفاع از حقیقت و درجه محکوم کردن بی پرستی و تعرض به حقوق اعضا و کادرها با نظرات سیاسی آنها مرتبط شده است. در حزبی که یک پرچم

اساسی آن مبارزه با تز ارتجاعی نسبیت فرهنگی بوده، در حزبی که در کنگره چهارم آن حقوق جهانشمول انسان را فارغ از هر فرهنگ و نظری تخطی ناپذیر اعلام کرده است، تز ارتجاعی نسبیت سیاسی پیش گذاشته شده است. ظاهراً از نظر بخشی از رهبری حزب اساس سوسیالیسم انسان است به شرطی که آن انسان هم نظر آنها باشد!

در تقابل با سنت همیشگی ما در حزب کمونیست کارگری، امروز تعدد نظر در حزب نامطلوب اعلام میشود. در چرخش به تحزب چپ سنتی بجای وحدت سیاسی وحدت ایدئولوژیک مینا اعلام میگردد. کادرهای حزب برای دادن شهادت علیه وجدان خود، به بهانه "منفعت حزب" زیر فشار قرار میگیرند. جدل سیاسی جایش را به صدور انزجار نامه های سیاسی و "اعلام موضع" ایدئولوژیک داده است. آگاه گری جایش را به افشاگری داده است، تعصب و اخلاقی گری دارد به نرم تبدیل میشود. اتهامات سیاسی به کورش مدرسی که یک سال قبل در همین دفتر سیاسی، با حضور رفیق حمید تقوایی، به عنوان پرونده سازی و پاپوش دوزی رد شد و مطرح کننده آن، مینا احدی، اتهامات را با معذرت پس گرفت، امروز به پلاتفرم رسمی رفیق حمید تقوایی تبدیل شده است.

سنت مبارزه فکری، سیاسی و تئوریک جایش را به بسیج تشکیلاتی، فضا سازی، تحریف و انزجار نامه نوشتن داده است. بجای طرح مباحث در نشریات علنی و

سمینارها و جلسات علنی و تشکیلاتی، اسناد دفتر سیاسی برای افشاگری منتشر میشود. "توده کادرها" در مقابل رهبری و ارگانهای حزب به میدان فرا خوانده میشوند. سنت رسمیت ارگانهای تشکیلاتی و حل و فصل امور حزب در آنها جایش را به گپ محفلی و حل و فصل امور حزب در آشپزخانه ها و تلفن های محفلی داده است. سنت علنیت و روباز بودن سیاسی، یعنی حرف آخر را اول زدن جایش را به مانورهای دیپلماتیک داده است. پلیتیک زدن جای فعالیت سیاسی را گرفته است. سنت پابندی به پلاتفرم و مصوبات جایش را به سیالیت نظری داده است. لیدر حزب، رفیق حمید تقوایی، با یک پلاتفرم از پلنوم رای اعتماد میگیرد و ۱۸۰ درجه عکس پلاتفرم خود را مبنای فعالیتش میکند. بخشی از اعضای دفتر سیاسی و هیات دبیران همین روش را در پیش گرفته اند. لیدر سیاسی جایش را به رهبر عقیدتی داده است. پلاتفرم سیاسی جایش را به صدور احکام نظری و تایید و تکفیر داده است.

متأسفانه امروز در حزب کمونیست کارگری بخشی از منتخبین کنگره ها، پلنوم ها و کنفرانسها برای خود تنها رسالت دفاع از فراکسیون اعلام نشده خود را قائل هستند. فراکسیون اعلام نشده محفل است و محفلیسم از بالاترین ارگانها و نهادهای حزب سازمان یافته هدایت میشود. سازمان حزب کمونیست کارگری رسماً از جانب لیدر حزب منحل اعلام شده است و حزب به یک مجمع عمومی



پالتاکی و اینترنتی اعضا تنزل یافته است.

چرا به اینجا رسیدیم؟

آنچه که در حزب کمونیست کارگری در حال رشد است، رعد و برق در آسمان بی ابر نیست. این وضع از تجدید نظر در عقاید افراد، به چپ و به راست رفتن اعضای رهبری حزب و یا از خلیقات و سو نیت آنها ناشی نمیشود. از جانب بخشی از رهبری حزب در توضیح وضعیت کنونی حزب یک تبیین بغایت ضد مارکسیستی بدست داده میشود که گویا این وضع از "ارتداد" یک فرد - کورش مدرسی - ناشی شده است. در نتیجه کل مبارزه سیاسی این رفقا به پرونده سازی و پاپوش دوزی سیاسی برای کورش مدرسی با توسل به جعلیات و همچنین کمپین فردی و ترور شخصیت او تبدیل شده. در این راه رفقا به عقب مانده ترین شیوه ها و شیطان سازی های مائویستی و تقلید ناشیانه متد های انقلاب فرهنگی چین متوسل میشوند. جدال در حزب به جدال میان "راست" و "چپ" جعلی نسبت داده شده است که ناگهان در حزب سر بر آورده است. پلاتفرمی برای "راست" و "چپ" اختراع شده است که تماما ساختگی و جعلی است.

این متد ضد مارکسیستی در تحلیل و تبیین سیاسی مورد نقد دائمی کمونیسم کارگری بوده است. یکی از درافزوده های بارز منصور حکمت به تئوری مارکسیسم نقد این سوسیالیسم عرفانی در بررسی تجربه شکست سوسیالیسم در روسیه است. در مقابل همه مکاتب سنتی چپ منصور حکمت بجای متمرکز کردن نقد بر انحرافات فکری یا

شخصیتی افراد، نقد را به تقابل کشمکش های سنن اجتماعی موجود در تاریخ حزب بلشویک و در جامعه روسیه متکی کرد. کشمکش هایی که در تمام طول تاریخ حزب سوسیال دمکرات روسیه و در سنت سیاسی و اجتماعی اعتراض به تزاریسم قابل مشاهده است.

حزب کمونیست کارگری ایران را هم درست باید با همین روش تبیین کرد و باید با همین خط کش اندازه گرفت. اختلافات در در این حزب و موقعیت کنونی را باید بر متن تاریخ همین حزب نگاه کرد. راست، چپ، کمونیسم کارگری و یا چپ سنتی یک شبه در هیچ حزب و سازمانی ظاهر نمیشوند. سیر حرکت حزب کمونیست کارگری یک مسیر پیوسته است.

تاریخ حزب کمونیست کارگری به شهادت همه اسناد و جلسات آن تاریخ مبارزه منصور حکمت برای سوق دادن این حزب از یک جریان فرقه ای گروه فشاری و مبلغ - مروج به یک حزب سیاسی است. این تلاش در حزب با مقاومت جریان چپ سنتی، که از بدو تشکیل حزب در آن شریک بوده است، همراه است.

همه کشمکش های مهم این حزب و همه لحظات تعیین کننده در حزب رنگ این جدال را دارند. بحث حزب و جامعه، بحث حزب و قدرت سیاسی، بحث سلبی و اثباتی، بحث سناریو سیاه، بحث حزب مروج و حزب سازمانده، تلاش برای مدرنیته کردن سازمان حزب، تلاش برای استاندارد کردن همه فونکسیونهای حزب، تمرکز رهبری، تز داشتن لیدر و غیره همه این جدال را منعکس میکند. حزب کمونیست کارگری آنجا که از گروههای چپ سنتی در ایران یا

اروپا متمایز است، درست در پرتو همین جدال ها است.

سیر حرکت حزب کمونیست کارگری را میتوان به حرکت یک قطار در شیب تند یک کوه مقایسه کرد. سنت حکمتیستی در این حزب میکوشد حزب را به جلو سوق دهد و آنرا به قله برساند. در مقابل، چپ فرقه ای و سنتی با اتکا نه نیروی عادت و دیدن دنیا از دیچه تنگ مقولات و مفاهیم چپی سنتی حاشیه ای و غیر دخالت گر تمام ترمزها را کشیده است و تمایل دارد که قطار را در همان میدان آشنا و اطمینان بخش سنت های گذشته نگاه دارد. حزب کمونیست کارگری یک گذشته و یک آینده دارد. جدال دائمی در این حزب جدال میان این گذشته و این آینده بوده و هست.

از دست رفتن منصور حکمت، صرف نظر از فاجعه عاطفی که برای همه ما در این حزب داشت، از نظر سیاسی یک خط را تضعیف کرد. خط حکمتیست را ضعیف کرد. حکمتیسم با از دست دادن منصور حکمت، مهمترین شمشیرزن خود، لکوموتیو و لکوموتیو ران قطار حزب را از دست داد. همراه با کاهش نقش منصور حکمت در حزب و بویژه بعد از دست دادن او چپی که همیشه زیر فشار نقد او قرار داشت و فضا را بر خود تنگ میدید احساس گشایش کرد، احساس کرد که رسالتی را برعهده دارد که باید انجام دهد. تناسب قوا میان دو جریان در حزب بهم خود و قطار مدتی سرچایش متوقف ماند. اما در مقابل سوالات و ابهاماتی که بعد از منصور حکمت در مقابل حزب قرار گرفت، در فضای نا امنی سیاسی که بدنه و رهبری حزب را در برگرفت و بر متن تغییر تناسب قوا در حزب،

بازگشت به دنیای مفاهیم، سیاست ها و فعالیت چپ سنتی که پاسخ سنتی حاضر و آماده به همه سوالات را داشت شروع شد. کنار گذاشتن کمونیسم کارگری و مفاهیم و متدهای آن در عرصه های مختلف به نفع مفاهیم و متدها و روشهای چپ سنتی بعد از کنگره چهارم شدت گرفت و عملی شد.

درست به دلیل اینکه شکاف در حزب از ابتدا حول حکمتیسم و چپ سنتی بوده است، شکافی که بعد از منصور حکمت در رهبری حزب باز شد هم حول مسائل و موضوعاتی بود که حکمتیسم را از چپ فرقه ای و حاشیه ای جدا میکرد. خود منصور حکمت در آخرین اظهار نظرهایش این را پیشبینی کرد و گفت که این حزب هنوز به چپ سنتی نزدیک تر است تا یک حزب سیاسی. اختلافات ما حول برخورد به مساله لیدر داشتن یا نداشتن، برخورد به رویدادهای ۱۸ تیر سال گذشته، دو قطبی شورا یا حزب، و بالاخره جدال بر سر تئوری حزب و قدرت سیاسی قطبی شد. اینها آن مباحثی هستند که طی دو سال گذشته رهبری حزب را به دو بخش تقسیم کرده اند نه مباحث پلنوم ۱۶ که امروز کاریکاتور شده، تحریف و جعل شده است تا در "نقد" آن بتوان ادای "چپ" در آورد.

شکاف در حزب کمونیست کارگری شکاف میان چپ و راست نیست. شکاف میان حکمتیسم و چپ سنتی است. این شکاف از بدو تشکیل حزب در دوره منصور حکمت و بعد از آن تنها شکاف واقعی در حزب کمونیست کارگری ایران بوده است. منصور حکمت و حکمتیسم تمام



تلاشش این بوده و هست که این حزب را به یک حزب اجتماعی و توده ای مدعی قدرت، یک حزب قوی، حزبی مدرن و حزبی که روی زمین سفت در جامعه قدرت است و تناسب قوا را منظمآ تغییر میدهد، حزب ساختن فرصت ها و ... تبدیل کند.

چپ سنتی، حاشیه ای و فرقه ای جا خوش کرده در این حزب همیشه در مقابل این تلاش مقاومت کرده است. این تاریخ واقعی حزب کمونیست کارگری ایران است. عجیب نیست که همیشه چپ سنتی و فرقه ای با پرچم جعلی چپ به جنگ بحث های حزب و قدرت سیاسی، سناریو سیاه، بحث لیدر داشتن حزب، غیره آماده است. جریان استعفاهای سال ۹۹ در حزب از همین سر به جنگ منصور حکمت آمدند.

ما معتقد بودیم و هستیم که حزب کمونیست کارگری میتواند و باید علیرغم این اختلافات درست مانند دوره منصور حکمت حول یک برنامه عمل سیاسی و در قالب یک حزب سیاسی متحد بماند. تلاش دوساله ما برای حفظ وحدت حزب و سازمان دادن یک پراتیک کمونیستی کارگری غیر قابل انکار است. در دو سال گذشته ما تلاش کردیم تا حزب حول پلانفرم ها و نقشه عمل های سیاسی متحد نگاه داریم. ۱۸ تیر سال گذشته، تحرک حزب در مقابل جایزه نوبل شیرین عبادی، رویدادهای ۱۶ آذر در ایران و بالارفتن شعار زنده باد آزادی زنده باد برابری در دانشگاه تهران، حضور رهبران کمونیست در میان مردم در کردستان، کنگره چهارم و غیره گوشه هائی از قابلیت کنونی این حزب تحت

هدایت خط منصور حکمت را نشان میدهد.

در این مسیر ما راهمان را بارها و بارها کج کردیم. در پاسخ به مقاومت سنت عقب مانده در تعیین لیدر و تبدیل آن به یک بحث تماما اخلاقی و شخصی، برای حفظ اتحاد حزب، علیرغم داشتن اکثریت در پلنوم ۱۶، عقب نشستیم و ۶ ماه فرصت دادیم. در پلنوم ۱۷ در مقابل چرخش حمید تقوایی ما تنها از شجاعت او تمجید کردیم و اپورتونیسیم مستتر در متد او را نقد نکردیم. در پلنوم ۱۸ ما عمیق ترین و تند ترین نقد را به نتیجه رای گیری پلنوم کردیم. برای خاتمه دادن به جنگ قدرتی که به راه انداخته بودند ما لیدری حزب را به آنها دادیم، حمید تقوایی را راضی کردیم لیدر حزب شود، او را کاندید کردیم و از او حمایت کردیم. بالاخره در کنگره چهارم علیرغم اینکه این رفقا همه قول و قرار های خود مبنی بر تبدیل نکردن کنگره به محل حل و فصل اختلافات را زیر پا گذاشتند و رسماً و علناً کنگره را با خطر از هم پاشیدن روبرو کردند، همه شاهد بودند که توانستیم کنترل اوضاع را نگاه داریم.

در فضای بشدت مسموم بعد از کنگره چهارم که گویا در آن چپ بر راست پیروز شده بود تلاش برای رسیدن به نامه مشترک دفتر سیاسی و لیدر حزب و رساندن آن به تصویب پلنوم کمیته مرکزی آخرین تلاش ما برای ایجاد فضائی سازنده در رهبری حزب بود. لیدر حزب بر متن این نامه انتخاب گردید.

بعد از کنگره چهارم رهبری جدید حزب در مقابل مسائل سیاسی و تشکیلاتی که در مقابل حزب قرار

داشتند به روش های سیاسی، تشکیلاتی، تبلیغات و تاکتیکی سنتی چپ روی آورد. سیاست ها و روش های کمونیستی کارگری حزب به تدریج فاقد اعتبار اعلام شدند و یا مورد تجدید نظر ماهوی قرار گرفتند. سیاست و روشهای جدید در بیان آنارشیستی و در عمل پاسیفیستی و فاقد هرگونه راه تغییر واقعیت هستند و حزب را به یک انفعال همه جانبه سوق داده اند. سیاست حزب در قبال ۱۸ تیر امسال، سیاست حزب در قبال اعتراضات پرستاران و معلمان، برخورد رهبری حزب به پتانسیل های کار کمونیستی در کردستان و تبدیل کردستان به پایگاه قدرت کمونیسم و حزب، برخورد لاقیدانه رهبری حزب به سازمان جوانان کمونیست، لاقیدی کامل رهبری در مقابل تعرض راست به چپ در سطح جامعه حول قومگرایی، تعرض به شعار "زنده باد آزادی" و "زنده باد برابری" زیر پوشش فدرالیسم و برجسته کردن هویت قومی در مقابل هویت انسانی، وغیره وغیره تنها بخشی از چهره این مدعیان چپ است.

بعد از کنگره چهارم نقش حزب کمونیست کارگری در سیاست ایران رو به کاهش گذاشت. رهبری حزب بجای تعیین سیاست اجتماعی، دخالت گرانه، سازماندهی انقلاب و قدرت مند کردن حزب به قافیه پردازی ها چپ و مداحی انقلاب روی آورد. پاسیفیسم بجای دخالت گری انقلابی و ملال آور شدن ادبیات حزب بجای جذابیت سنتی رایکالیسم ما به چهره نمای نشریات و رسانه های حزب تبدیل شد. این سیر البته میبایست با مقاومت و مقابله ما روبرو میشد و شد.

سمینار رحمان حسین زاده در نقد پاسیفیسم حاکم بر حزب و مقاومت بخشی از دفتر سیاسی و هیات دبیران در مقابل تغییر تدریجی سیاست ها، روش ها و تاکتیک های سنتی حزب، سمینار کورش مدرسی در انجمن مارکس حکمت در دفاع از تزه های حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت، بحث او در مورد سیاست کمونیستی در سازماندهی مردم در پاسخ به زلزله بم، سیاست دخالتگرانه ما در رویدادهای اول ماه مه امسال، در کنار مقابله ما با شیوه های بشدت غیر اجتماعی، فرقه ای، محفلی و توطئه گرانه در برکنار مهرنوش موسوی از سردبیری آزادی زن، اتوریته سیاسی و تئوریک لیدر و بخشی از دفتر سیاسی حزب را مورد سوال قرار داد. این بخش که ارکان اتوریته سیاسی خود را در خطر میدید ناتوان از تامین یک اتحاد سیاسی به شیوه های قدیمی و آشنای چپ سنتی یعنی انقلاب ایدئولوژیک روی آورد. در فرهنگ چپ سنتی ایدئولوژی بجای سیاست مینشینند و وحدت ایدئولوژیک مبنای اتحاد است. این سنت بجای حزب سیاسی به فرقه ایدئولوژیک میرسد.

همانطور که اشاره شد جدالی که ارکان حزب را به تکان در آورده است کشمکش میان گذشته و آینده حزب کمونیست کارگری است. این جدال میان جریانات موجود در این حزب است. حزب کمونیست کارگری حاصل تعادل قوایی میان حکمتیسم و چپ فرقه ای و سنتی است. این تعادل با از دست رفتن منصور حکمت ناپایدار شده است و امروز انتخاب یکی از این دو راه در مقابل حزب قرار گرفته است.



اختلاف پایه ای ما با سنت مقابل در اساس اختلاف بر سر استراتژی حزب است که در سخنرانی های منصور حکمت در کنگره دوم، کنگره سوم و پلنوم ها و جلسات میان آنها، تا پلنوم ۱۴ بیان شده است. این استراتژی درست با همان متد و تئوری های مستعفیون سال ۹۹ به نقد کشیده شده و کنار گذاشته شده است.

اما حتی به سرانجام رساندن همین اختلاف هم تنها در پرتو وجود یک حزب سیاسی ممکن است. مفهوم تحزب سیاسی، که یکی دیگر از حلقه های اختلاف ماست و به صدر این اختلافات رانده شده است. بدون وجود یک حزب سیاسی نه میتوان اختلافی را به سرانجام رساند و نه انقلابی را سازمان داد. تلاش برای ممانعت از تبدیل حزب کمونیست کارگری به یک فرقه ایدئولوژیک، صرف نظر از هر اختلاف سیاسی، منفعت مشترک کل جنبش ماست.

راه خروج از بن بست:

مشکل حزب کمونیست کارگری یک مشکل سیاسی و سنتی است. این اختلاف راه حل تشکیلاتی ندارد. راه خروج از بن بست کنونی سازش نیست. همه راههای سازش امتحان شده است. کارنامه دوساله ما این را نشان میدهد. حزب کمونیست کارگری نمیتواند در شکل کنونی باقی بماند. فاسد میشود. نیروهای مخرب حزب آزاد شده اند و باید دوباره زیر کنترل در آیند. راه نجات حزب تبدیل شدن کامل به یک حزب سیاسی، تثبیت همه سنت های تشکیلاتی دوره منصور حکمت، محکوم کردن و تفتیح همه سیاست ها و سنت هایی که زیر پا گذاشته شده است. عبور کامل از یک سازمان ایدئولوژیک و چپ سنتی به یک

حزب سیاسی تمام عیار تنها راه عبور حزب از این پیچ است.

امروز شورش چپ سنتی در غیاب منصور حکمت حزب را در مقابل یک دو راهی قرار داده است. حزب باید از میان این دو راه یکی را انتخاب کند. تنها از طریق انتخاب درست میشود حزب را به روال عادی آن برگرداند، به وضع کنونی خاتمه داد و به استقبال کنگره یا وظایفی که در مقابل ما قرار دارد رفت.

راه حل

از نظر ما حزب کمونیست کارگری یک حزب سیاسی است و نه به تصفیه ایدئولوژیک، نه به غسل تعمید انقلابی احتیاج ندارد. حزب کمونیست کارگری محتاج آن نیست که کسی را از این حزب براند. انقلاب ایدئولوژیک، غسل تعمید، تعیین تکلیف با یک نظر، منحل کردن مکانیسم ها و فونکسیونهای حزبی وسایر مقولات و مفاهیمی که امروز در تشکیلات راه افتاده است مفاهیم و مقولاتی نیستند که ما هیچگاه خود و حزب مان را با آنها توضیح داده باشیم. اینها مفاهیم عاریت گرفته شده از یک سیاست و تحزب دیگر، عتیق ترین مدل چپ سنتی یعنی مائوئیسم است.

بارها اعلام کرده ایم که کادرها و رهبری این حزب در قالب یک حزب سیاسی سرمایه های جنبش ما هستند. انقلاب کمونیستی به همه آنها احتیاج دارد. امری که ما داریم و حزبی که ما میخواهیم به همه نیازمند است. و اصولا ایده حزب سیاسی همین واقعیت جنبشی را، در مقابل واقعیت فرقه ای، منعکس میکند.

کنگره فوق العاده ظاهرا راه حل طلایی لیدر حزب رفیق حمید تقوایی و متحدین او برای تعیین

تکلیف است. اما به اعتقاد ما در چنین کنگره ای هر جناح هم که برنده شود، حزب کمونیست کارگری و سنت و خط منصور حکمت بازنده خواهد بود.

از خود باید پرسید در فضای کنونی و بر متن سنت جدیدی که مبارزه سیاسی نام گرفته است، بر متن انقلاب ایدئولوژیک و سناریو سیاهی که بنام مبارزه سیاسی به حزب تحمیل گردیده، تدارک و برگزاری کنگره چگونه خواهد بود؟ و قرار است در کنگره چه اتفاقی بیفتد؟ مبارزه غیر سیاسی تاکنونی قرار است علنی شود؟ همین مسیری که کادرها رفته اند را همه باید طی کنند؟ اسناد را در اختیار اعضا قرار دهیم و در واقع علنی کنیم و این فضای بیمار گونه را توده ای کنیم؟

قرار است ما پوشه و پرونده به بغل در منزل هر عضو حزب را بزنیم. هر خوابگاه پناهندگان را در نوردیم و پرونده حمید تقوایی، آذر ماجدی، علی جوادی، مینا احدی، ثریا شهابی، نسان نودینیان، حمه سور، مهرنوش موسوی، ایرج فرزند، رحمان حسین زاده، کورش مدرسی و محمود قزوینی و غیره را افشا کنیم؟ قرار است به همه مردم ثابت کنیم که کورش مدرسی لیدر سابق حزب چه حیوان سیاسی عجیبی بوده است و یا لیدر کنونی حمید تقوایی، چقدر عجیب تر است؟

قرار است اعضای جدید را با این پلاتفرم ها بگیریم و جذب کنیم؟ قرار است در کنگره غسل تعمید ایدئولوژیک شویم؟ قرار است انقلاب فرهنگی و ایدئولوژیک به سرانجام برسد؟ قرار است در کنگره یک بنی شویم؟

بحث بر سر تغییر ترکیب رهبری حزب نیست. این حق هر پلنوم و

هر کنگره ای است که این کار را بکنند و همه انتخاب ها هم در نهایت سیاسی هستند. بحث بر سر پروسه مبارزه ای است که فی الحال در جریان است و تعمیم آن تنها به معنی بی آبرو کردن دسته جمعی حزب و سلطه فرهنگ چپ فرقه ای بر حزب کمونیست کارگری ایران است. مشکل ما نامه های پراکنده غیر سیاسی نیست. کل این فرهنگ تشکیلاتی که در این دوره حاکم شده غیر سیاسی و ایدئولوژیک و شخصی است.

فضای کنونی حزب مسموم است. کنگره در این فضا کنگره سیاسی نیست. اگر کنگره برگزار شود، احتمالا یک طرف رای بیشتری را بخود اختصاص خواهد داد و به این اعتبار برنده خواهد شد. اما کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری حتما در این کنگره بازنده است. این مسابقه افشاگری و انتشار انزجارنامه ها و برگه های افشاگری علیه هم است. این پروسه بی حیثیت کردن، بی آبرو کردن سنت کمونیسم کارگری، پروسه نابود کردن احترام و جایگاه انسان در این حزب است. این پروسه انقلاب ایدئولوژیک است نه تدارک کنگره یک حزب سیاسی.

اعضا و کادرهایی که از دل چنین مبارزه ای بیرون آمده باشند برای هیچ فعالیت کمونیستی عضو و کادر نمیشوند. انسانهای مسخ شده و بی احترام شده ای خواهند بود که جز به درد فرقه های مذهبی به هیچ درد دیگری نمیخورند. کسی که سیاستش را بر اساس تحقیر و افشاگری فرقه ای از دیگران استوار میکند قبل از هر چیز ارزش های خود را قربانی میکند.



این یک مبارزه سیاسی برای یک کنگره کمونیستی نیست. این مراسم تشیع جنازه حزب کمونیست کارگری، مراسم بخاک سپاری افسانه منصور حکمت است. مبارزه برای بی حیثیت کردن کمونیسم است.

ما در چنین مراسمی شرکت نمیکنیم. این را به خودمان، به منصور حکمت، به حزب کمونیست کارگری و جنبش مان و همه امید و آرزوهائی که به این حزب بسته است مدیونیم. هیچ کمونیستی در چنین مراسمی نباید شرکت کند.

ما سر پناه سیاسی و انجمن تملق متقابل نمیخواهیم - جامعه شديدا و سریعاً محتاج دخالت ماست - ما باید انقلاب کمونیستی را سازمان دهیم - سوال این است که چگونه میشود به این نیاز پاسخ گفت - تدارک کنگره در قالب کنونی جواب نیست، پروسه نابودی این حزب است.

حزب کمونیست کارگری نه میتواند به عقب برود و نه میتواند سرجائی که امروز هست بایستد. باید جلو برود باید به یک حزب سیاسی تبدیل شود. پیشروی در این جهت دیگر برای ما یک انتخاب نیست. اگر نرویم نابود میشویم. شرط بقا حزب کمونیست کارگری بازگشت به همه معیارهای کمونیستی دوران منصور حکمت و تبدیل شدن به یک حزب تمام عیار سیاسی است: حزبی که در آن:

- وحدت اراده براساس اتحاد سیاسی و بر متن تعدد نظرات جاری است،

- حزبی که نهادها و ارگان های آن رسمی هستند، مقامات و نهاد

های آن در قبال پلاتفرمهای مصوب مسئول هستند،

- حزبی که در آن برای نظر رای گیری نمیشود، نظر و تئوری رسمی و غیر رسمی نداریم و پلاتفرم ها و قطعنامه های اثباتی سیاسی در مورد مسائل پیشروی جنبش مبانی اتحاد ماست و نه فتوهای نظری.

- حزبی که در آن کسی حق کنکاش سیاسی و فکر دیگران را ندارد، "انقلاب ایدئولوژیک" و "غسل تعمید" جائی ندارد،

- حزب احترام به کادرها و اعضا، حزبی که نسبت سیاسی در آن جائی ندارد.

- حزبی که در آن اکثریت و اقلیت تنها با فراکسیون های رسمی - شفاف و قابل بازرسی ممکن است،

- حزبی مدرن،
- حزبی با ضوابط مدون،

- حزبی که در آن ارگانهای رسمی تنها توسط ارگان مافوق خود قابل بازرسی هستند،

- حزب مقامات مسئول،

- حزب پیشبرد اختلاف نظر سیاسی و تئوریک در قالب نشریات و سمینارهای علنی و دخالت سازمان یافته اعضا و کادرها، حزب رهبری و کادرها،

- حزب تامین و تضمین حق انتقاد به بالاترین مقامات حزبی

- حزبی با رهبری متمرکز برای پاسخ گوئی به نیازهای مبارزه سیاسی،

- حزب تعریف دقیق وظایف ارگانها و مسئولین و اختیارات آنها و ...

چگونه میشود این جهش را کرد؟ کنگره فوق العاده در شرایط کنونی، همانطور که توضیح دادیم راه نیست. تعمیم وضع کنونی است. حزب کمونیست کارگری باید بر یک مبنای متعارف سیاسی استوار شود تا بتواند کنگره خود را برگزار کند. بدون کنگره هم حزب هنوز حزب است و کسی حق ندارد مشروعیت و صلاحیت ارگانهای آن و بویژه کمیته مرکزی را نفی کند. کنگره چهارم حزب کمیته مرکزی را درست برای چنین شرایطی انتخاب کرده است. کمیته مرکزی مسئولیت دارد که حزب را در این مسیر هدایت کند. پلنوم جائی است که کمیته مرکزی میتواند و باید تکلیف این وضع را روشن کند. و کمیته مرکزی هم حق ندارد از زیر با این مسئولیت شانه خالی کند و هیچ ارگانی نمیتواند آن را دور بزند و یا فاقد اعتبار معرفی کند.

ما رئیس این سیاست یعنی باز گرداند حزب به معیارهای یک حزب سیاسی که بالاتر به شمه ای از آن اشاره شد را بشکل پلاتفرمی تقدیم پلنوم خواهیم کرد. اگر پلنوم این پلاتفرم، یعنی تضمین عبور به یک حزب سیاسی کمونیستی و نقد و طرد شیوه های منحط بکار گرفته شده در دوره کنونی را تصویب کرد، ضمانت لازم برای تکرار نشدن این وضع را داد و اگر رهبری را انتخاب کرد بتواند چنین پلاتفرمی را عملی کند، ما

- این حزب را به سرعت از این وضع در می آوریم

- بر اساس این پلاتفرم همه فونکسیونهای حزب را تعریف و در صورت لزوم تجدید تعریف میکنیم،

- فضای حزب را امن میکنم،

- حزب را به سرعت و با جدیت سراغ دنیای بیرون میفرستم و به جان جامعه می اندازیم،

- کنگره ۵ را بعنوان یک کنگره روتین در یک فضای سیاسی برگزار میکنیم،

اگر پلنوم به این پلاتفرم رای ندهد، پلنوم کمیته مرکزی تصمیم گرفته است که بستر حزب کمونیست کارگری را رسماً به نفع سنت چپ فرقه ای تغییر دهد. حزب رسماً تغییر میکند. چنین حزبی نه میتواند این اختلافات را به جای درستی برساند و نه ابزار انقلاب کمونیستی خواهد بود و چنین حزبی بطور قطع به تدریج از صحنه سیاست جامعه حذف میشود و به یک دستگاه تبلیغ و ترویج تقلیل خواهد یافت. کمونیسم کارگری باید تحزب خود را در قالب دیگری تعقیب کند. این حزب ابزار انقلاب کمونیستی نخواهد بود. ناچاراً راه ما از هم جدا میشود.

بحث ما جدائی از حزب کمونیست کارگری نیست، بحث ما التیماتم و گرو کشی نیست. ما دو راهی تاریخی که در مقابل حزب قرار داده ایم. ما سوالی که در بحث حزب بعد منصور حکمت در مقابل کمیته مرکزی قرار گرفت را دوباره وسط گذاشته ایم. پلنوم جای تعیین تکلیف حزب بعد از منصور حکمت است. آیا این حزب کماکان بر سنت حکمتیستی استوار خواهد بود و یا به سنت چپ فرقه ای برمیگردد؟ این یک انتخاب سیاسی در مقابل حزب است. نمیشود انتخاب نکرد. همانطور که چنین انتخابی در سال ۹۰ در مقابل

بقیه نامه ریبوار احمد

سنگ تکان نخورده است و بنابراین تحلیل حزب ما از حزب کمونیست کارگری ایران باید دست نخورد و باید بر بخش دیگر خط بطلان بکشیم! بویژه که من و پنج رفیق دیگر دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق خود از کسانی هستیم که در این تحول از شما جدا شده ایم و در تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران^۱ حکمتیست شرکت کرده ایم.

در جوابتان به سومین نامه ای که برای شما و رهبری حزب فرستاده ام، از حزب ما خواسته بودید که در موضعگیری عجله نکند و در انتظار بماند تا مسائل به سرانجام نهایی خود برسد و آنگاه موضع خود را روشن کند! من به شما جواب دادم که ما خود را در قبال سرنوشت حزب برادر و هم جنبشی مان مسئول میدانیم و مصمم هستیم قبل از اینکه کار از کار گذشته باشد، برای اجتناب از خطری که با آن مواجه است، دخالت کنیم. اما متحیرم که این بار شما حتی به توصیه قبلی خودتان هم وفادار نیستید؛ بعد از اینکه کار را به سرانجام نهایی رسانده اید و جدائی را هم تحمیل کرده اید، باز هم میگوئید علی القاعده میبایست موضعتان را به بعد از انتشار علنی موکول میکردید! نمیدانم منظورتان کدام قاعده است؛ چرا ما که از همه چیز اطلاع داریم باید نظاره گر درب و داغان کردن حزب هم جنبشی مان باشیم و دم بر نیآوریم و موضع نگیریم؟ ما که در جریان همه مباحثات و اختلافات هستیم،

منتظر چه حقیقت و حقایقی باشیم که با انتشار علنی مباحثات برایمان روشن شود؟

حقیقت اینست که شما موضع ما را به نفع خود نمی بینید، ازینرو هر بار به بهانه ای از ما میخواهید که سکوت کنیم، موضع نگیریم و در قبال ویران کردن حزب منصور حکمت هیچ واکنشی نداشته باشیم. ما هم مسئولیت خودمان را درست بر خلاف این نظر شما ارزیابی میکنیم. رفیق حمید! نمیشود برای ما نقش قاضی یا داور میان دو تیم فوتبال قائل باشید، ما خود در حزب منصور حکمت و کمونیسم کارگری بازیکن و طرف هستیم، منصور حکمت به ما یاد نداده که تماشاچی باشیم و دخالت نکنیم. در طول ۹-۸ سال، منصور حکمت دائماً در حزب ما دخالت فعال میکرد، در قبال هیچ کشمکش درونی هم برای یک لحظه بیطرف و بی حرف نمیماند. کورش و رحمان که در رهبری حزب ما او را نمایندگی میکردند و بنا به پیشنهاد او به عضویت کمیته مرکزی در آمدند، برای یک لحظه هم در قبال جدالهای درونی حزب ما موضع بیطرف نداشته اند. ما دخالتگری جانبدارانه را از منصور حکمت آموخته ایم. لطفاً از ما نخواهید این سنت را فراموش کنیم.

رفیق حمید مناسبات گرم و نزدیک و رفیقانه میان دو حزب، مناسبات دو حزب منصور حکمت بود؛ اکنون شما میخواهید مطابق اصول حاکم بر مناسبات احزاب^۲ به این مناسبات برخورد کنید و حدود و موازین برای دخالت ما تعیین کنید، میخواهید مانند

مناسبات دوستانه احزاب دیگر به آن نگاه کنید. اما مناسبات ما دوستانه نبود، هر دو طرف در هر دو حزب صاحب خانه بودیم. مناسبات ما دیپلماتیک نبود رفیق عزیز، با چنین معیاری به آن برخورد نکنید و در قالب مناسبات دوستانه و نرمال میان دو حزب قرار ندهید که متعاقباً ما را به عدول از آن متهم کنید.

همچنین راجع به اینکه میگوئید مصالح مشترک جنبش مان و هر دو حزب ایجاب میکرد که تا روشن شدن اختلافات در سطح جامعه از موضعگیری و حمایت از بخشی که جدا شده اند اجتناب کنیم، برای من روشن نیست که چرا مایی که جزئی از جنبش و واقف بر همه مسائل هستیم باید همراه و مانند مردمی که از ماجرا بیخبرند موضع بگیریم! رفیق حمید! یک حقیقت را باید بپذیرید و گریز از آن بیهوده است: اینکه ما بعنوان حزب کمونیست کارگری عراق عیناً مانند شما، خود را در قبال حزب کمونیست کارگری ایران صاحب حق و مسئول میدانیم. بنابراین دقیقاً از وقتی که شما در پالتاک و در رادیو انترناسیونال، روایت خودتان از این رویداد را به جامعه ارائه کردید، دیگر نه فقط حق بلکه وظیفه ما هم هست که روایت و موضع خودمان را در همان سطح اعلام کنیم. چراکه جامعه از ما میخواهد که در مورد این تحولات و این رویداد که به حیات سیاسی و سرنوشت ما ربط مستقیم دارد موضع خود را روشن کنیم. من بر خلاف نظر شما مصالح جنبش و حزبهایمان را در سکوت و عدم موضعگیری نمی بینم و چنین

کاری را خودکشی سیاسی و عدم وفاداری به منصور حکمت میدانم.

اما درباره این گفته شما که سکوت و بیطرفی ما میتوانست وحدت و انسجام حزبمان را بهتر حفظ کند، من میفهمم شما چه میگوئید رفیق حمید و پیام شما را گرفتم. اما مطمئن باشید که هیچگاه وحدت و انسجام حول سکوت و بی موضعی در قبال تحول بزرگی نظیر آنچه اتفاق افتاده است، حفظ نمیشود. اگر صحبت از درخواست و تمایل حزب ماست، این درخواست روزمره شمار زیادی از کادرهای حزبمان بود که موضع خود را در قبال این جدال روشن کنیم و ساکت نماییم. به درست نقد داشتند که از رویدادها عقبیم و دیر موضع گرفتیم. اما به نظر میرسد دستی که حزب کمونیست کارگری ایران را دوشقه کرد، حزب عراق را هم دارد تهدید میکند. ما عزم خود را برای رودرویی با آن جزم کرده ایم. اگر قرار بر در میان بودن چنین تهدیدی باشد، ضروری است که با آن مقابله کنیم. پرهیز از مقابله بیهوده است. البته لازم است روشن باشد که چنین نیتی خطای بزرگ و ناموجهی در قبال حزب و جنبش منصور حکمت است. امیدوارم پی بردن به عمق اشتباه بزرگ قبلی تان، به شما برای تکرار نکردن چنین اشتباهاتی کمک کند.

با نهایت احترام

ریبوار احمد

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق

۲۷-۸-۲۰۰۴

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

بقیه از صفحه ۱۲

و انقلابی در جامعه است، آنرا از نظر سیاسی نزدیک ترین متحد سیاسی خود خواهیم دانست. در نتیجه نه نفعی در کم اعتبار کردن افراد و نه در افشاگری از آن داریم.

۵- به اعتقاد ما از حالا تا پلنوم و خود اجلاس پلنوم باید معطوف به تلاش برای تامین وحدت اصولی حزب، اگر ممکن باشد، و یا تضمین و توافق در مورد یک جدائی متمدانه شویم. اگر طرف مقابل ما بر برگزاری کنگره فوق العاده اصرار داشته باشد، این کنگره را میتوان برگزار کند. ما با اتکا به اکثریت رای در پلنوم مانع برگزاری کنگره نخواهیم شد. ما در این کنگره شرکت نمیکنیم.

۶- جامعه و اعضا را باید به شیوه اصولی و سیاسی از اختلاف در حزب و امکان جدائی مطلع کرد. پیشنهاد ما این است که در یک یا دو شماره انترناسیونال ویژه، هر طرف روایت خود از اختلاف و هدف یا راه حل خود را ارائه دهد.

۷- لازم است از هم اکنون پلانفرم ها و مصوبات پیشنهادی به پلنوم بصورت علنی منتشر گردند و

سینارهای مرکزی در دفاع از این اسناد بصورت علنی برگزار گردند. رفقا

آنچه در این حزب میگذرد و فضائی که بر حزب مسلط شده است باید تغییر کند. از حالا تا پلنوم را وقت داریم. امیدواریم که این فرصت را هم از دست ندهیم. تلاش کنیم تا با هم ماندن یا جدا شدن مان در سنت کمونیسم کارگری باشد. این را به همه کسانی که چشم امید به ما دوخته اند و به منصور حکمت بدهکاریم.

با احترام

۲۰ اوت ۲۰۰۴

عبدالله دارابی - رحمان حسین زاده - حسین مرادبیگی (حمه سور) - امان کفا - ایرج فرزاد - نسرين جلالی - محمد فتاحی - بهرام مدرسی - اعظم کم گوین - مهنوش موسوی - اسد نودینیان - کورش مدرسی - مظفر محمدی - آذر مدرسی - اسد گلچینی - ثریا شهابی - صالح سرداری - نسان نودینیان - خالد حاج محمدی - محمود قزوینی - فاتح شیخ - مجید حسینی

بقیه از صفحه ۲

حزب کمونیست ایران قرار گرفت. این فرصتی برای انتخاب توسط کمیته مرکزی است. کمیته مرکزی باید انتخاب کند که چه نوع تشکلی میخواهد: یک حزب سیاسی یا یک فرقه ایدئولوژیک.

ما معتقد به تاکتیک پروسه یا اعلام قطره چکانی نظرات و تاکتیک هایمان نیستیم. معتقدیم که اگر دست آوردهای پس گرفته شده سنت کمونیسم کارگری در این پلنوم اعاده نشود، اگر روشهای این دوره که در اختلافات درونی حزب بکار گرفته شد بدون ابهام محکوم نشوند، همانطور که گفتیم کمونیسم کارگری تحزب خود را باید در جای دیگری تعقیب کند. این عین شفافیت سیاسی است. به اعتقاد ما حزب و کمیته مرکزی باید کل تحلیل ما را بدانند. این اولین رکن وجود یک فضای کمونیستی است.

ما به شایستگی و صلاحیت کمیته مرکزی در این انتخاب باور داریم. تصمیم کمیته مرکزی، از هر طرف که باشد، برای ما محترم و مشروع است. ما بر اساس این تصمیم راهمان را انتخاب میکنیم.

ما منصور حکمت را از دست دادیم و مجبوریم جهشی که میخواست به این حزب بدهد را بدون او انجام دهیم. این مطلقا کار ساده ای نیست. اما امکان پذیر است و

همین امکان ما را کنار هم نگاه داشته است.

آنچه که قطعی است ما در پروسه بی اعتبار کردن کادرها و رهبری این حزب و در جریان دفن اجتماعی و سیاسی حزب کمونیست کارگری شرکت نمیکنم. این سیاست ادامه تلاش دو ساله ما برای بقای این حزب است. این سیاست باعث خواهد شد که حزب کمونیست کارگری در هر صورت بعنوان یک حزب چپ و سیاسی در صحنه جامعه بی اعتبار و آبرو باخته نشود و باقی بماند.

انتخاب در حزب کمونیست کارگری انتخاب میان چپ و راست نیست. انتخاب میان حکمتیسم و چپ سنتی است. انتخاب میان آینده و گذشته است. این داستان زندگی این حزب بوده است و امروز انتخاب با کمیته مرکزی است.

۱۱ اوت ۲۰۰۴

رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، امان کفا، حسین مرادبیگی (حمه سور)، ایرج فرزاد، نسرين جلالی، محمد فتاحی، بهرام مدرسی، اعظم کم گوین، مهنوش موسوی، اسد نودینیان، آذر مدرسی، اسد گلچینی، ثریا شهابی، صالح سرداری، نسان نودینیان، خالد حاج محمدی، کورش مدرسی، محمود قزوینی، مجید حسینی، فاتح شیخ

منتشر شد!

اکتبر

نشریه کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
www.oktoabr.com

منتشر شد!

جوانان حکمتیست

نشریه سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

سایت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

www.hekmatist.com

بزودی منتشر میشود!

ایران تریبون

نشریه اینترنتی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

www.iran-tribune.com

بقیه از صفحه ۱۲

بگیریم. اما در این صورت، با توجه به عدم پایبندی اقلیت کمیته مرکزی به هیچ معیار و اصولی و با توجه به رفتار ماجراجویانه و بکلی غیر مسئولانه آنها، شاهد تجزیه حزب کمونیست کارگری به دو حزب هم نام خواهیم بود. دو حزبی که بر سر نام و بر سر اموال به جان هم افتاده اند. این در واقع تکرار سناریو همیشگی سکت های سنتی چپ است. در چنین کشمکش‌های هر طرف هم که پیروز شود، کمونیسم کارگری و بویژه خط منصور حکمت بازنده است. در اینصورت در جامعه حیثیت و اعتباری برای هیچ یک از طرفین باقی نخواهد ماند.

ما این راه را انتخاب نمی کنیم. جامعه و فضای سیاسی ایران و اعتبار کمونیسم کارگری در پیچه ای برای دخالت در زندگی انسانها و تحقق آرزوی آزادی و برابری را فراهم کرده است که در چنین مسیری بکلی بسته میشود و همه ما را مشغول یک جنگ فرقه ای نابود کننده خواهد کرد. و از کمونیسم کارگری چیزی بجای

نخواهد ماند. این سنت ما نیست.

اما انتخاب دومی هم هست. برای دفاع از حرمت همه انسانهایی که احترامشان به احترام کمونیسم کارگری گره خورده است، برای باز نگاه داشتن امکان دخالت در فضای سیاسی ایران بعنوان یک جریان سیاسی و توده ای کمونیست و تحقق دنیای بهتر، ما راهمان را از حزب کمونیست کارگری ایران جدا میکنیم، از این حزب خارج میشویم، از هر ادعائی بر نام و اموال حزب کمونیست کارگری ایران صرف نظر میکنیم و تحزب کمونیسم کارگری را در یک حزب دیگر متحقق میکنیم. این راه سیاسی تر است. این راه سالم تر است. این راه منفعت طولانی این جریان را بیشتر حفظ خواهد کرد. از همه مهمتر این راه در سنت سیاسی و سالم خط منصور حکمت است. ما متعاقبا اسناد اختلافات درونی حزب را قابل دسترس خواهیم کرد تا هرکس بتواند تصویری ابرکتیو از سیر تحولات حزب کمونیست کارگری بدست آورد.

این اقدام قطعاً ما را به لحاظ سازمانی و امکانات، بویژه رادیو و تلویزیون،

ضعیف خواهد کرد. اما با داشتن یک خط روشن سیاسی، با داشتن بخش اصلی استخوانبندی کادرهای کمونیسم کارگری در خارج و در داخل ایران، در فاصله کوتاهی همه این امکانات را باز سازی خواهیم کرد.

زنده باد کمونیسم کارگری

زنده باد منصور حکمت

۲۴ اوت ۲۰۰۴ -

۳ شهریور ۱۳۸۳

۱ - آذر مدرسی (عضو دفتر سیاسی)

۲ - اسد گلچینی (عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته تشکیلات کل کشور)

۳ - اسد نودینیان (عضو هیات دبیران)

۴ - اعظم کم گویان (مسئول انتشارات مرکزی حزب)

۵ - امان کفا

۶ - ایرج فرزاد (عضو دفتر سیاسی- سردبیر نشریه ایسکرا)

۷ - بهرام مدرسی (دبیر سازمان جوانان کمونیست)

۸ - ثریا شهابی (عضو دفتر سیاسی)

۹ - حسین مرادیگی- حمه سور (عضو دفتر سیاسی)

۱۰ - خالد حاج محمدی (مسئول شهرهای کردستان و دبیر کمیته سقز)

۱۱ - رحمان حسین زاده (عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته کردستان)

۱۲ - ریبوار احمد (لیدر حزب کمونیست کارگری عراق)

۱۳ - صالح سرداری (دبیر کمیته شهر مریوان)

۱۴ - صلاح ایراندوست (یکی از دو مسئول سایت اینترنتی روزنه)

۱۵ - عبدالله دارابی (عضو دفتر سیاسی)

۱۶ - فاتح شیخ (عضو دفتر سیاسی)

۱۷ - کورش مدرسی (رئیس دفتر سیاسی)

۱۸ - مجید حسینی (عضو دفتر سیاسی)

۱۹ - محمد فتاحی

۲۰ - محمود قزوینی (دبیر تشکیلات دانمارک)

۲۱ - مظفر محمدی (دبیر کمیته شهر سنندج)

۲۲ - مهرنوش موسوی

۲۳ - نسان نودینیان (دبیر کمیته آلمان)

۲۴ - نسرین جلالی

اساس سوسیالیسم انسان است

بیانیه اکثریت کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در باره کناره گیری از حزب کمونیست کارگری ایران

اختلافاتی که در رهبری حزب کمونیست کارگری ایران سابقه داشت در طی دو سال گذشته، به دنبال از دست دادن منصور حکمت، بالا گرفت. این اختلافات بعد از کنگره چهارم ابعاد همه جانبه ای یافت و طی چند ماه گذشته رهبری حزب را فلج کرد. نفس وجود اختلاف در حزب کمونیست کارگری جدید نیست. آنچه که تازه است نحوه برخورد به این اختلافات از جانب بخشی از رهبری حزب است. برای رسیدگی به این اختلافات و یافتن راه حل خروج حزب از این بن بست، دو ماه پیش، پلنوم کمیته مرکزی حزب با توافق دفتر سیاسی و لیدر حزب برای اواخر سپتامبر فراخوانده شد. اما رفیق حمید تقوایی، لیدر حزب در سمینار اینترنتی در روز ۲۱ اوت ۲۰۰۴ تصمیمات محیرالعقول و غیر قانونی جدیدی را اعلام کرد دایر بر اینکه:

۱ - پلنوم کمیته مرکزی حزب را برسمیت نمیشناسد و علیرغم درخواست اکثریت اعضای کمیته

مرکزی در پلنوم حضور بهم نخواهد رساند و اصولاً حکم کمیته مرکزی را نمیپذیرد. این اقدام مطابق اصول سازمانی حزب و طرح ارگانهای رهبری حزب که همه ما هنگام انتخاب به عضویت کمیته مرکزی توسط کنگره پذیرفته ایم و مطابق ابتدائی ترین سنن سازمانی و حزبی غیر قانونی است.

۲ - رفیق تقوایی جمعی از اعضای حزب در خارج کشور را برای اواسط سپتامبر فراخواند و اعلام کرد که این تجمع کنگره فوق العاده حزب است. مطابق اصول سازمانی حزب کمونیست کارگری کنگره مجمع نمایندگان تشکیلاتهای حزب است و کل حزب را نمایندگی میکند. جمعی که رفیق تقوایی فراخوان آن را داده است جمعی اختیاری است که امکان سفر به محل جلسه را دارند و به هیچ وجه تشکیلاتهای حزب کمونیست کارگری را نمایندگی نمیکنند. جایگزین کردن کنگره با چنین جمع اختیاری اعضای هم خط اقلیت کمیته مرکزی مطابق

بدیهی ترین سنن حزبی غیر قابل قبول و غیر قانونی است.

این تصمیمات مخالف هر سنت و قانون مکتوب و توافق شده حزب است. حزب کمونیست کارگری ایران، پلنوم آن، و تمام کمیته های حزبی و سلسله مراتب تشکیلاتی آن به این ترتیب از زبان لیدر آن منحل اعلام شدند. حمید تقوایی در واقع حکم انحلال حزب را اعلام کرده است بدون اینکه چنین اختیاری داشته باشد. کسی که امروز حزب را علیه تعهدات خود و فراتر از هر اختیار حزبی منحل اعلام میکند، نمیتواند به هیچ پرنسیپی متعهد بماند. این رفتار علیه تحزب سیاسی کمونیسم کارگری است و بازگشت به سنت جریاناتی است که نه بر اساس اصول و مقررات مدون و توافق شده و نه در چارچوب اختیارات تعریف شده تشکیلاتی، بلکه بر اساس احکام و فتوای قائلان ماورای قانون عمل میکنند.

لازم نبود که اختلافات درونی حزب کمونیست کارگری ایران به اینجا

کشیده شود. نامه ۲۲ نفر از اعضای کمیته مرکزی که مورد حمایت اکثریت این کمیته و همچنین، دفتر سیاسی و لیدر حزب کمونیست کارگری عراق قرار گرفت راه اصولی حفظ اتحاد حزب را پیش پای همه قرار داد. متأسفانه رفیق تقوایی و هم نظرانشان، از آنجا که اقلیت کمیته مرکزی را تشکیل میدهند، تصمیم به برهم ریختن حزب و زیر پا نهادن کلیه موازین، اصول و نهادهای حزبی گرفتند. بجای اتکا به شیوه های توافق شده در یک حزب مدرن و سیاسی، کلیه سنت های حزب کمونیست کارگری، عینی دستاوردهای تاکتونی این حزب را زیر پا گذاشتند.

این رفتار ما را در مقابل یک انتخاب قرار داده است. میتوانیم با اتکا به اکثریت مان در کمیته مرکزی، لیدر حزب را برکنار کنیم، دفتر سیاسی را مجدداً انتخاب کنیم، اجتماع فراخوان داده شده توسط حمید تقوایی را غیر قانونی اعلام کنیم و امور حزب را بدست

بقیه در صفحه ۱۱

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!